

عوامل تعیین کننده گرایش به طلاق توافقی: یک مطالعه کیفی

طیبه بلوردی^۱، زهیر مصطفی بلوردی^۲، محمود آقاجانی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: جامعه ایران نیز در مسیر تحولات فزاینده ناشی از فروپاشی توافقی پیوندهای زناشویی و افزایش میزان طلاق‌های توافقی قرار گرفته است. از این رو، مطالعه و شناخت مسایل مرتبط با این پدیده، ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد. مطالعه حاضر به بررسی درک تجارب زیسته افراد از این مقوله پرداخت.

روش: این مطالعه از نوع کیفی بود که از روش پدیدارشناسی استفاده نمود. شرکت کنندگان از میان متارکه کنندگان به شیوه طلاق توافقی شهر سیرجان انتخاب شدند. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بود که با ۲۱ شرکت کننده مصاحبه صورت گرفت. روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های بدون ساختار و عمیق با روش تجزیه و تحلیل Colaizzi بود.

یافته‌ها: مضمون اصلی «مؤلفه‌های جمعی» با ۲ درون‌مایه فرعی تر شبکه‌های اجتماعی و تعاملات زناشویی و مضمون اصلی «عاملیت فردی» با درون‌مایه‌های عدم آگاهی‌های پیامدی و هویت‌یابی طی فرایند مطالعه استخراج گردید.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر با توصیف عوامل تعیین کننده طلاق توافقی، درک تازه‌ای از تجارب افراد در وقوع این پدیده فراهم ساخت. همچنین، ریشه چنین واقعه‌ای را علاوه بر عوامل کلیشه‌ای در موارد همچون روابط قبل از ازدواج و عدم درک صحیح از مرادوات جنسی یافت. در نهایت، پیشنهادهایی مطابق با ظرفیت‌های موجود جهت طراحی و برنامه‌ریزی ارائه شد.

کلید واژه‌ها: شبکه اجتماعی، تعاملات زناشویی، عدم آگاهی پیامدی، هویت‌یابی

ارجاع: بلوردی طیبه، بلوردی زهیر مصطفی، آقاجانی محمود. عوامل تعیین کننده گرایش به طلاق توافقی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۴؛ ۴ (۴): ۴۴۸-۴۵۵.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۸

Email: t_balvardi90@yahoo.com

۱- مربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، گروه معارف اسلامی، سیرجان، ایران

۲- دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران

۳- مربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران

نویسنده‌ی مسؤول: طیبه بلوردی

مقدمه

تحولات اجتماعی با تضعیف خانواده پدرسالار در کنار رشد تضادها و تقابل‌های روزافزون اجتماعی، به فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی تازه منجر گردیده است. تحولاتی که مفاهیم سنتی و شیوه‌های کهن زندگی خصوصی و خانوادگی را به مبارزه طلبیده است (۱). در واقع، نابسامانی سازمان خانوادگی را می‌توان به عنوان شکست واحد خانواده و گسیختگی ساخت نقش‌های اجتماعی تعریف نمود که به دلیل کاهش یا ناتوانی یک یا چند عنصر خانواده در اجرای نقش‌های خود رخ می‌دهد (۲). از جمله وجوه منفی پدید آمده درون این نهاد اجتماعی، بروز آسیبی تحت عنوان «طلاق توافقی» می‌باشد. فرایندی که زوجین در تمام زمینه‌های مربوط به زندگی مشترک توافق می‌کنند که گواهی عدم امکان سازش را به دادگاه تسلیم نمایند (۳). پدیده‌ای که فقط به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان یک ارزش اجتماعی- فرهنگی جدید به سایر جوامع نیز راه یافته است (۴).

به نظر می‌رسد که بررسی این مسأله می‌تواند به ارتقای فرهنگ جامعه در این زمینه کمک نماید؛ چرا که هر تحقیق علمی در عین اهمیت شناختی و روش شناختی، کارکردی کاربردی نیز دارد (۵). با این وجود مروری بر بررسی‌های متعدد داخلی و خارجی نشان داد که اکثر این نوشتارها در قفسه پژوهش‌های مقطعی و کمی جای گرفتند (۱۶-۶). مهم‌تر از همه این که هیچ کدام از پژوهش‌ها، طلاق توافقی را به طور خاص مورد مطالعه قرار ندادند. از این رو، پیشینه زیادی درباره طلاق توافقی موجود نمی‌باشد. با این وجود، اشاراتی به متغیرهای آن دسته از پژوهش‌هایی شد که مشابه موضوع مطالعه حاضر بودند.

بررسی پیامدهای طلاق در تهران نشان داد که آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای اجتماعی طلاق بیشتر بود و نگرانی از آینده اقتصادی در آن‌ها بیشتر از مردان عنوان شد (۱۷). اختلالات روانی بین افراد طلاق گرفته بیشتر از افراد بیوه گزارش گردید (۱۸). مطالعات خارجی انجام گرفته در این زمینه نیز بیشتر به پیامدهای طلاق پرداختند. برخی مطالعات

انجام شده نیز به رابطه مستقیم میان طلاق با دخالت و اظهار نظرهای دیگران در زندگی زوجین (۶) و مشکلات موجود در مسایل جنسی و زناشویی (۹) اشاره کردند.

رشد طلاق توافقی نوسانات قابل توجهی بر اساس اسناد سازمان ثبت احوال شهرستان سیرجان داشت. میزان نوسان درصد آن از ۱/۶۸ در سال ۱۳۸۴ به ۳/۸۷ در سال ۱۳۹۲ رسید. در این وضعیت، این پرسش مطرح می‌شود که توصیف افراد از تجربیات خود در رابطه با طلاق توافقی چگونه است؟ بنابراین، تلاش مطالعه حاضر جهت شناسایی همبسته‌های مرتبط با تقاضای طلاق توافقی با استفاده از روشی کیفی بود تا با ورود به دنیای تجربه زیسته متقاضیان طلاق توافقی از طریق مصاحبه با آن‌ها به دست آورد.

روش

این مطالعه جهت درک تجربه متقاضیان طلاق توافقی با استفاده از روش پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۲ انجام شد. روش نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند (Purposive sampling) بود. مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته با ۲۱ نفر در ۲ الی ۳ جلسه تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. جمع‌آوری داده‌ها طی مدت زمان ۴۵ الی ۱۰۰ دقیقه در دادگاه خانواده شهرستان سیرجان انجام گردید. معیارهای ورود به مطالعه شامل رضایت داشتن به شرکت و توانایی روحی بازگویی تجارب بود. شرکت کنندگان اجازه خروج از فرایند پژوهش را در طول مطالعه داشتند.

قبل از شروع مصاحبه ضمن تشریح هدف تحقیق و اطمینان به محرمانه ماندن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت کنندگان گرفته شد. مصاحبه با همکاری مسئولین دادگاه در اتاقی که برای این کار تعیین شده بود، به روش گفتگوی دو طرف (Conversational style) صورت گرفت. مصاحبه‌ها با سؤال‌های باز مانند سؤال‌های «آیا از این که این جا حضور دارید، راضی هستید؟» و «این وضعیت چرا روی داده است؟» آغاز شد. سپس سؤال‌های بعدی برای ادامه و کامل شدن مصاحبه و دستیابی به داده‌هایی غنی‌تر بر اساس نوع پاسخ‌های مشارکت کنندگان مطرح گردید.

هستین. لازمه در کارهاتون با ما مشورت کنید. این حرف خیلی برای من گرون بود. جواب مادر زرم را دادم. این شروع جبهه‌گیری زرم علیه من شد». زن ۳۰ ساله بیان نمود: «حتی درباره خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی ما، راجب بچه‌دار شدن هم می‌بایست نظر بدند. این برای من که به استقلال رأی و عمل اهمیت می‌دم، سخت بود».

برخی والدین هنوز به تمایز خویشتن از فرزندان ازدواج کرده خویش نرسیدند و آن‌ها را در تمام جنبه‌ها، تکه‌ای از وجود خود می‌دانستند. از این‌رو، حتی به خود اجازه اظهار نظر درباره مسایل زناشویی فرزندانشان می‌دادند.

مقوله فرعی ۱-۲: تعاملات زناشویی

مقصود تعاملات زناشویی، فرایندهای تعاملی قبل و بعد از ازدواج بود که کنش‌های زناشویی را جهت می‌داد. این مقوله به ۲ زیرمقوله «روابط قبل از ازدواج و مراودات جنسی» تقسیم شد.

۱-۲-۱. روابط قبل از ازدواج: امروزه برخی زندگی‌های مشترک تحت تأثیر آشنایی‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف قرار گرفته است که این بر تعاملات پس از ازدواج نیز تأثیرگذار بود. زن ۲۱ ساله اظهار کرد: «همکلاسی بودیم که به مرور روابطمون زیاد شد. اون چیزی که من ازش می‌دیدم، کاملاً با چیزی که بعد از ازدواج در خونه از خودش نشان می‌داد، متفاوت بود. آدم اهل مباحثه و منطق کجا و این فکر سنتی توی خونه کجا».

افراد در آشنایی قبل از ازدواج، ابتدا بیشتر سرمایه‌های فرهنگی، مدارک و یا مهارت‌های خود را به نمایش می‌گذاشتند و خیلی کمتر صحبت از عادت واره‌های خود می‌نمودند؛ چرا که بیشتر در بخش سرمایه‌های فرهنگی با یکدیگر به تفاهم می‌رسیدند و ازدواج می‌کردند. از آنجایی که کم‌کم عادت واره‌ها در عمل خود را نشان می‌داد و رفتارشان را هدایت می‌نمود، تضادها خودنمایی می‌کرد و اختلاف‌ها به مرور خود را نشان می‌داد. زن ۲۷ ساله بیان نمود: «هر وقت می‌ومد خونه و بهش نگاه می‌کردم و رفتارهاشو مقایسه می‌کردم. به خودم می‌گفتم چقدر ساده بودم. چطور توی این مدت قبل از ازدواج نشناختمش». این

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از هفت مرحله Colaizzi صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا توصیفات همه شرکت‌کنندگان جهت هم احساس شدن با آن‌ها خوانده شد. سپس، به هر کدام از یادداشت‌ها رجوع و عبارات مهم استخراج گردید. معنی یا مفهوم هر عبارت مهم در سومین مرحله شکل گرفت که تحت عنوان مفاهیم تنظیم شده مطرح شد. چهارمین گام، مفاهیم تنظیم شده درون دسته‌های موضوعی سازماندهی گردید. یافته‌ها در گام بعدی به درون یک توصیف جامع از پدیده مورد نظر تلفیق شد. در مرحله ششم، توصیفی جامع از پدیده مورد تحقیق به شکل یک بیانیه صریح و روشن به دست آمد. گام معتبرسازی نهایی بر اساس ملاک‌های «اعتبار» (Credibility) و «قابلیت اطمینان» (Reliability) مورد بررسی قرار گرفت (۱۸).

اطلاعات هر مصاحبه پس از تجزیه و تحلیل، جهت بررسی اعتبار در اختیار شرکت‌کنندگان برای بازبینی و تأیید قرار داده شد و اصلاحات لازم بر اساس نظرات آنان اعمال گردید. برای بررسی قابل اطمینان بودن یافته‌های مطالعه حاضر شامل مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌ها، از نظر جامعه‌شناس استفاده شد.

یافته‌ها

صورت‌بندی مفهومی با دو مقوله اصلی «مؤلفه‌های جمعی و عاملیت فردی» و چندین زیرمقوله به دست آمد. مؤلفه‌های جمعی ناظر بر ساز و کارهای متأثر از زندگی نظام اجتماعی بود و عاملیت فردی به کنشگر با توانایی و قدرت ویژه‌ای اشاره داشت که ساختارها در اعمال اجتماعی او بروز می‌کرد (۱۹).

مقوله اصلی ۱: مؤلفه‌های جمعی

مقوله فرعی ۱-۱: شبکه‌های اجتماعی

هرچه روابط زوجین با اشخاص مختلف و افراد مهم تأثیرگذار بر روی زندگی زوجین بیشتر بود، این امر روند ثابت و سالم زندگی زوجین را بیشتر دچار اختلال و بحران می‌کرد و احتمال اختلاف یا جدایی توافقی آن‌ها را افزایش می‌داد. مرد ۳۲ ساله اظهار داشت: «دو روز بعد از ازدواجمون، توی یک مهمونی، مادرش رو به ما کرد و گفت شما هنوز خام زندگی

«اگر برگردم به اون دوران [مکت] نه به این زودی حرف طلاق رو نمی‌آوردم وسط. درسته آزارم می‌داد، اما آقا باور کنید زنی که طلاق می‌گیره، تنها می‌شه. حتی کسانی که فکرشو هم نمی‌کنی، تنهات می‌گذارن...». زن ۳۲ ساله اظهار داشت: «نگاه جامعه مریضه، خیلی مریض. حتی همین که پاتو از پله‌های دادگاه می‌گذاری پایین، همه مریض نگاهت می‌کنند». اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسید که پیامدهای منفی طلاق بیشتر متوجه زنان بود و زندگی آنان را بیشتر از مردان تحت تأثیر خود قرار می‌داد، اما به اعتقاد پژوهشگران، فرموله‌بندی هر گونه پیامدهای طلاق برای زنان، چیزی از واقعیات مسأله را بازگو نمی‌کرد و ما را در وضعیت امتناع از موضوع قرار می‌داد. بررسی تجارب مردان در این زمینه نیز جالب توجه بود. مرد ۴۰ ساله عنوان کرد: «نه، به خاطر بچم هم که شده، سریع این کار رو نمی‌کردم. الان که بزرگ‌تر شده توی نگاهش می‌بینم، وقتی به بچه‌های عمش و عموهاش نگاه می‌کنه، به غم و حسرت تو نگاهشه...».

مقوله فرعی ۲-۲: هویت‌یابی

در نتیجه تضعیف و دگرگونی ساختارهای بنیادی جامعه سنتی و بی‌ثبات شدن تمامی شالوده‌های ساختاری هویت فردی و اجتماعی، زنان کلیشه‌های قالبی مرتبط با زندگی فردی را به چالش کشیدند و به تعریفی جدید از خود دست یافتند. زن ۳۴ ساله بیان نمود: «مردای این دوره زموئه باید قبول کنند که دوره آلدروم/ بلدروم کردن تموم شده. ما زن‌ها هم دیگه مثل قدیما نیستیم، بسته نیستیم. ما هم از همه چی مطلعیم. نمی‌شه که هر چی باشه، حرف اون‌ها باشه». پژوهشگران به دنبال یافتن دلیل این موضوع، به پیامدهای ورود عوامل نوسازی، ایجاد آگاهی و تغییر نگرش‌های ناشی از آن در میان زنان رسیدند. در نتیجه، زنان با اتکا به مراجع هویت‌ساز گوناگون، از هویت اجتماعی سنتی گذر کردند که گاهی این عکس‌العمل‌ها منجر به کشمکش‌های زناشویی می‌شد.

مرد ۳۳ ساله اظهار داشت: «می‌دونی مقصر خودم بودم. از وقتی اجازه دادم، درس بخونه، وضع زندگیمون شد این. ادعاهای عجیب و غریب کم نمی‌گفت. از این که حق ندارم بدون اجازه اون کاری بکنم... تا این‌که به خاطر کارهاش،

افراد همواره خود را در زندگی مشترک با ذهنیت‌ها و تجربیات عاطفی درگیر می‌کردند که قبل از ازدواج داشتند و قیاس‌های ذهنی آن‌ها را رها نمی‌کرد. در نتیجه احساس شکست، فریب و تضاد در این دسته از زوجین بیشتر بود.

۲-۲-۱. عدم درک صحیح از مرادوات جنسی: رابطه جنسی در زندگی زناشویی علاوه بر رفع نیاز، محمل ارضای نیازهای روحی و عاطفی نیز بود که به موازات آن، همدلی و رضایت زوجین را به دنبال داشت. مطالعه حاضر به بررسی ریشه برخی از مشکلات زوجین در کیفیت و کمیت روابط جنسی و در نهایت، تأثیر آن در حوزه‌های دیگر زندگی پرداخت. زن ۳۲ ساله اظهار داشت: «همسرم فقط به فکر خودش بود، اصلاً نمی‌فهمید که طرف مقابل هم حقی داره. کم کم این رابطه به یک حالت تنفرآمیز برای من شده بود». مرد ۲۵ ساله بیان نمود: «اون در کل آدم سردی بود. درسته می‌گن از زن ناز و از مرد نیاز، همش می‌گفت خجالت بکش». رفتارهایی که ناشی از تبادل بین دو شخص بود، هر دو کنشگر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کردند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی پایدار می‌ماند که رابطه بر مبنای احترام و خواست طرفین بود.

زن ۳۳ ساله عنوان کرد: «باور نمی‌کنین جاهایی از من تقاضای رابطه می‌کرد که خودم خجالت می‌کشم به زبون بیارم. یکی دو بار نبود، کارش این بود. با من مثل یک بازیچه رفتار می‌کرد و هر کار می‌خواست. اصلاً اهمیت نمیداد به من...». زمانی که مرد به عنوان هرم قدرت ارضای نیازهای جنسی در جایگاه تصمیم‌گیری و هدایت‌گری بود، نگاه یکسویه به رفع نیازهای جنسی داشت و درخواست‌های نامعقول در این زمینه می‌کرد، ناکامی شریک زندگی را به دنبال داشت و زمینه فروپاشی خانواده را فراهم می‌نمود. به باور پژوهشگران مطالعه حاضر، یکی از ریشه‌های اصلی این مشکلات به مقوله جامعه‌پذیری پیوند ارتباط می‌یافت.

مقوله اصلی ۲: عاملیت فردی

مقوله فرعی ۲-۱: عدم آگاهی پیامدی

عدم اطلاع از پیامدهای بعد از طلاق بر تصمیم‌گیرهای افراد در اقدام به طلاق توافقی اثرگذار بود. زن ۲۹ ساله بیان نمود:

امروزه دیگر نیازهای افراد فقط در چارچوب نیازهای اقتصادی مطرح نمی‌گردید. افراد متناسب با منافع فردی خویش دست به کنش‌های اجتماعی می‌زدند. مشابه چنین یافته‌ای در بررسی‌های داوودی (۶)، مختاری و همکاران (۱۵) و Henry و Miller (۲۰) مشاهده شد. یکی از زوجین هرچه درون فضای خصوصی خانواده‌ها، پاداش‌های عاطفی و خصوصی کمتری دریافت می‌کرد، حالت زیان دیدگی و عدم رضای نیازها به او دست می‌داد. پدیده‌ای که به زعم تجارب زیسته افراد این پژوهش، یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش طلاق‌های توافقی بود. مبین این فرایند در بررسی‌های صداقت و اسدیان (۱۴) و شیرزاد و کاظمی‌فرد (۲۱) نیز تأیید شد.

نداشتن آگاهی از پیامدهای طلاق باعث گردید که فرد با گسستن پیوند زناشویی و قطع این رابطه تصور نماید که می‌تواند از منفعت بیشتری بعد طلاق در مقایسه با زندگی مشترک برخوردار شود. نقطه مقابل چنین عدم آگاهی پیامدی، ظهور فرایندهای متجددانه‌ای از آگاهی‌هایی بود که علاقمندی به دستیابی به هویت و حقوق فردی و اجتماعی را نشان می‌داد. بر اساس اطلاعات مطالعه حاضر، افراد و به خصوص زنان با آشنایی از منابع هویت‌ساز جدید به برداشتی نو از کیستی و چیستی خود رسیدند. این امر باعث می‌شد تا زنان کم و بیش مسأله هویت شخصی خود را در اولویت قرار دهند. همین آگاهی بدون داشتن مصالح فرهنگی لازم از طرف مردان و احساس پایمال شدن حقوق از سوی زنان، آن‌ها را به سمت تقاضای طلاق توافقی سوق می‌داد.

بنابراین در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این عوامل را به مؤلفه‌های جمعی و فردی تقسیم نمود. اگر کنشگران اجتماعی از نظر آگاهی از پیامدهای طلاق، در وضعیت مطلوبی قرار نداشته باشند و اگر ارزش‌های غالب اجتماعی در بحث جامعه‌پذیری دچار ضعف شود، تعاملات زناشویی و شبکه‌های اجتماعی در مسیر مطلوب قرار نمی‌گیرد و به طور طبیعی، خانواده به عنوان نهاد اجتماعی از این فرایند متأثر می‌گردد. در چنین وضعیت اجتماعی، بنیاد خانواده بسیار متزلزل می‌شود. در نتیجه، پیامدهای آن به شخص خاصی محدود نمی‌گردد و مرد، زن و فرزندان از اثرات آن در امان نمی‌مانند.

جلوش و ایسادم و درخواست طلاق کرد». این موضوع تا حدود زیادی مربوط به ظهور نهادها و باروهای جدید می‌شد. نهادهای جدید حامل ارزش‌های جدید به جامعه بودند و زنان بیشتر دچار پیامدهای آن می‌گردیدند. آشنایی آنان با افکار، اندیشه‌ها و توقعات جدید، گاهی برای مردانی غیر قابل پذیرش بود که اعتماد به این نوع محیط‌ها نداشتند.

بحث

افراد با نفوذ بارقه‌های مدرن به جامعه ایران و ایجاد رشته‌های متفاوت، زیاد و پهنای روابط و شبکه‌های اجتماعی با اجتماعات و گروه‌های متعدد ارتباط می‌یابند و رفتارهای اجتماعی و سبک زندگی آن‌ها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. البته نباید بسیاری از عوامل، گروه‌ها و نهادهای بزرگ و کوچک را فراموش کرد که نقش واسطه در این امر دارند. مهم‌ترین این گروه‌ها، خویشاوندان، دوستان و تعاملات با اعضای خانواده خاستگاه می‌باشد. این امر به دیدگاه Simmel نزدیک‌تر است که روابط اجتماعی محدود می‌تواند به غنای این حوزه ارتباطی بیانجامد و آن رابطه را خاص‌تر و منحصر به فردتر کند. حال اگر فردی دیگر در این محدوده خاص وارد شود، با عدم برآورد انتظارات یکی از طرفین اصلی، درگیری در روابط اجتماعی پیش خواهد آمد که ناشی از ورود به روابط اجتماعی گسترده می‌باشد. این یافته‌ها در راستای نتایج محققانی شامل داوودی (۶)، پیران (۷)، شعبانی (۱۱)، طباطبایی (۱۲)، قطبی و همکاران (۱۳) و صداقت و اسدیان (۱۴) بود.

همچنین وجود چنین روابط زیاد، امکان آشنایی‌های بسیاری را برای افراد فراهم می‌کرد و به آن‌ها اجازه می‌داد که به صورت فردی، مستقل و آزادانه اقدام به ارتباط با دیگران ناهمجنس نمایند. روابطی که بیشتر در فضایی از ارایه خودهای آرمانی صورت می‌گرفت و احتمال تضادهای زناشویی را میان چنین افرادی بالا می‌برد. در چنین وضعیتی از رواج آزاد منشی‌های فردی، تداوم کنش‌ها در خانواده‌های امروزی بیش از پیش به سمت رضای طرفین در زندگی شخصی و حیات عاطفی سوق داده می‌شد.

جسمانی خود و همسرش آگاهی یابد، بلکه روابط جنسی و جسمانی صحیح را نیز به درستی بیاموزد. در بعد مراجع رسمی و قانون‌گذاری نیز توجه بدین نکته ضروری است، تا زمانی که در جامعه‌ای قوانین چنین تنظیم شوند که افراد بتوانند به سهولت از یکدیگر جدا گردند، بی‌شک آمار طلاق‌های توافقی افزایش می‌یابد.

محدودیت‌ها

هدف از هر تحقیق پدیدارشناسی، حصول به توصیفی است که با پشت سر گذاردن مراحل مختلف به دست می‌آید. آنچه در این تحقیق بر سختی این مسیر افزود و بخش زیادی از انرژی محقق را به خود اختصاص داد، جلب رضایت متقاضیان طلاق برای مصاحبه بود. محقق در این فرایند در معرض خشونت‌های زبانی و جسمی نیز قرار گرفت. نگه داشتن مصاحبه در مسیر بی‌طرفانه نیز یکی از مشکلات دیگر کار بود؛ چرا که مصاحبه‌شوندگان از محقق انتظار همدردی و طرفداری از وی در برابر طرف مقابل را داشتند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

این امر باعث وقوع اختلالات رفتاری، اضطراب، ترس، افسردگی، احساس تنهایی و به دنبال آن کجروی‌های اجتماعی، مشکلات اقتصادی و حقوقی به ویژه در فرزندان و زنان به دلیل نداشتن امنیت و آرامش روحی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که طلاق‌های توافقی بیشتر در جوامع با روحیه طلاق زده و نیز روابط انسانی بحرانی رخ می‌دهد. از این‌رو، برای جلوگیری از پیدایش چنین روحیه‌ای و یا درمان آن باید به راهکارهای معطوف به خانواده و نهادهای گوناگون بیشتر توجه نمود. تربیت کودک در بعد خانواده، باید در راستای مقاوم سازی روان فرزندان صورت گیرد. نباید چنان آنان را حساس و شکننده تربیت کرد که با هر تلنگر آسیب بینند و راه چاره را فقط در گسستن پیوندها جستجو نمایند. افراد باید به گونه‌ای آموزش داده شوند که میزان برابری از «انطباق پذیری» را در هر ازدواج ضروری بدانند. والدین نیز نباید حتی در رفتارهای خود به نسل جوان القا نمایند که فقط باید یکی از طرفین به خواست و سلیقه دیگری رفتار کند. ازدواج پدیده‌ای اجتماعی است و تنها نیاز به بلوغ جسمانی ندارد، بلکه بلوغ ذهنی با آمادگی روانی نیز از شرایط لازم در تحقق مطلوب آن می‌باشد. جوان باید نه تنها از ویژگی‌های

References

1. Walczak Y, Burns S. Divorce: the child's point of view. Trans. Taheri F. Tehran, Iran: Markaz Publications; 1987. [In Persian].
2. Goode W. Readings on the family and society. Trans. Nasehi V. Tehran, Iran: Translation and Publication; 1973. [In Persian].
3. Sarokhani B, Ghasemi A. Sociological analysis of factors influencing the increase in divorce settlement in the city of Kermanshah. Journal of Cultural, Education of Women and Family 2012; 7(21): 1-43. [In Persian].
4. Entesharco. The sociology of women and family. Tehran, Iran: Entesharco Publications; 2001. [In Persian].
5. Timajchi F. The elements of divorce in Tehran [Thesis]. Tehran, Iran: University of Tehran; 1998. [In Persian].
6. Davodi P. Elements of divorce [Thesis]. Tehran, Iran: University of Tehran; 1977. [In Persian].
7. Piran P. Explanation of divorce sociology. Journal of Ronagh 1990; 1(2): 34-41. [In Persian].
8. Reihani T, Ajam M. The survey of divorce causes of Gonabad city in 2002. Ofogh-e-Danesh 2002; 8(2): 96-100. [In Persian].
9. Akhavan Tafti M. Divorce stages and aftermaths. Women s Studies (Sociological & Psychological) 2003; 1(3): 123-52. [In Persian].
10. Zahiroddin AR, Khodaie F. Personality inventory of individuals referring to Tehran Family Court for divorce. Feyz 2003; 7(1): 1-7. [In Persian].
11. Shabani S. The analysis of effective factors on divorce request in Tabriz [Thesis]. Tehran, Iran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2003. [In Persian].

12. Tabatabaei J. The analysis of social elements of divorce in Birjand [Thesis]. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University; 2004. [In Persian].
13. Ghotbi M, Holakouei Naeini K, Jazayeri A, Rahimi A. Evaluation of divorce and its factors in divorced person lived in Doulat Abad (Tehran). *Social Welfare*: 2004; 3(12): 271-86. [In Persian].
14. Sedaghat K, Asadian A. Sociological explanation of social factors effective on divorce (the case of Ghaemshahr city). *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan* 2014; 25(2): 97-116. [In Persian].
15. Mokhtari M, Mirfardi A, Mahmoudi E. A study of social factors influencing tendency towards divorce in Yasouj. *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan* 2014; 25(1): 141-57. [In Persian].
16. Larson JH, Holman TB. Premarital predictors of marital quality and stability. *Family Relations* 1994; 43(2): 228-37.
17. Salimi A, Davari M. *Sociology of deviance*. Qom, Iran: Research Institute of Hawzah and University; 2006. [In Persian].
18. Mohamadpour A. *Anti method*. Tehran, Iran: Jamee-Shenasan Publications; 2013. [In Persian].
19. Giddens A. *Universal perspectives*. Trans. Jalaepour M. Tehran, Iran: Tarh-e-no Publications; 2005. [In Persian].
20. Henry RG, Miller RB. Marital problems occurring in midlife: implications for Couples therapists. *American Journal of Family Therapy* 2004; 32(5): 405-17.
21. Shirzad J, Kazemifar AM. Epidemiological study of divorce referring to legal medicine center, Hamadan, Iran, 2000. *Sci J Forensic Med* 2004; 10(36): 207-12. [In Persian].

Archive of SID

The Determining Elements of Tendency toward Agreement-Based Divorce: A Qualitative Study

Taybeh Balvardi¹, Zahir Mostafa Balvardi², Mahmood Aghajani³

Original Article

Abstract

Introduction: Our society is facing the increasing changes of agreement-based collapse of marriages and agreement-based divorce. Therefore, the study and recognition of issues regarding this phenomenon is an inevitable necessity. Thus, this study aims to investigate the experiences of individuals regarding this phenomenon.

Method: This qualitative study was conducted through phenomenological method. The participants of this study were chosen using purposive sampling from among divorced individuals who had experienced agreement-based divorce in Sirjan, Iran (n = 21). The main method of data collection was unstructured and in-depth interviews. Data were analyzed through Colaizzi's method.

Results: The main themes of collaborative variables (with sub-themes of social networks and marriage interactions), and individual agency (with sub-themes of lack of consequential understanding and individuation) were extracted.

Conclusion: By describing the determining elements of agreement-based divorce, this study gave us a new understanding of individuals' experiences regarding this phenomenon. The cause of this phenomenon, in addition to stereotypical elements, can be attributed to factors such as interactions before marriage and lack of correct understanding of sexual intercourse. Based on the findings, this study offered some suggestions for planning and programming in this regard.

Keywords: Social network, Marriage interactions, Lack of consequential understanding, Individuation

Citation: Balvardi T, Balvardi ZM, Aghajani M. **The Determining Elements of Tendency toward Agreement-Based Divorce: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2016; 4(4): 448-55.

Received date: 30.9.2015

Accept date: 21.12.2015

1- Instructor, Department of Islamic Studies, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran

2- PhD in Sociology, Department of Sciences, Farhangian University of Kerman, Kerman, Iran.

3- Instructor, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran

Corresponding Author: Taybeh Balvardi, Email: t_balvardi90@yahoo.com